



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: تشخیص اوقات/مواقیت الصلاة

با توفیق خداوند بچثمان در مسئله ۴ از مسائل اوقات صلاة عروه بود، صاحب عروه در این مسئله فرمود: «إذا لم يتمكن من تحصيل العلم أو ما بحكمه، لمانع في السماء من غيم أو غبار أو لمانع في نفسه من عمى أو حبس أو نحو ذلك فلا يبعد كفاية الظن، لكن الأحوط التأخير حتى يحصل اليقين، بل لا يترك هذا الاحتياط»^۱. اینها تقریباً نمونه ای از مواردی هستند که در آنها ظن کافی می باشد و خصوصیت ندارند بلکه القاء خصوصیت می شود یعنی می خواهد بگوید در هر جایی که ظن اطمینانی که عقلاء به آن اعتماد می کنند ایجاد شد کافی می باشد و گفتیم که در قواعد و شرایع نیز همینطور گفته شده فقط آیت الله خوئی در حاشیه فرموده: "الأظهر أن جواز الاكتفاء بالظن يختص بالمواعن النوعية، ولا بأس بترك الاحتياط بالتأخير في مواردها".

عرض کردیم که عمده دلیل در اینجا روایات هستند، خبری در باب ۴ از ابواب مواقیت الصلاة ذکر شده، خبر این است: «وعنه، عن عبد الله بن جبلة، عن ابن بكير، عن أبيه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: إني صليت الظهر في يوم غيم فأنجلت فوجدتني صليت حين زال النهار، قال: فقال: لا تعد ولا تعد. ورواه ابن إدريس في (آخر السرائر) نقلاً من كتاب عبد الله بن بكير نحوه. أقول: النهي عن

^۱ العروة الوثقى، سيد محمد كاظم يزدي، ج ۲، ص ۲۷۸، ط جماعة المدرسين (المخشي).

الإعادة يدل على دخول الوقت، والنهي عن العود لكونه ترك النافلة، أو لكونه صلى مع الشك في الوقت.^۲

و عنه یعنی شیخ در تہذیب باسناده عن حسن بن محمد بن سماعة کہ فقیہ ثقفی ولی واقفی المذهب و از طبقه ۵ است، عبد الله بن جبلة نیز واقفی المذهب است ولی ثقہ می باشد و از طبقه ۶ است، عبد الله بن بکیر فطحی المذهب است عن أبيه یعنی بکیر کہ خوب است.

خبر بعدی در باب ۶ از ابواب قبله ذکر شده، خبر این است: «وعنه، عن محمد بن الحسين، عن عثمان بن عيسى، عن سماعة قال: سألته عن الصلاة بالليل والنهار إذا لم ير الشمس ولا القمر ولا النجوم، قال: اجتهد رأيك وتعمد القبلة جهداً.^۳

و عنه یعنی محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی ابو جعفر عطار قمی عن محمد بن حسین بن ابی الخطاب کہ همگی خوب هستند عن عثمان بن عيسى کہ کان شیخ الواقفة و وجها ولی ثقہ می باشد عن سماعة بن مهران کہ خیلی خوب و ثقہ می باشد.

آیت الله خوئی در مستند العروه جلد ۱۱ صفحه ۳۸۶ در سند این خبر اشکال کرده و فرموده عثمان بن عيسى واقفی المذهب است، البتہ ایشان فرموده هر کسی در سند احادیثی کہ در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل شده وجود داشته باشد موثق است زیرا قمی در اول تفسیر گفته من آیات قران را با روایاتی کہ از نظر سند در نزد من موثق هستند تفسیر می کنم و خب معلوم می شود کہ روایاتی کہ نقل کرده موثق هستند و

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۹۴، ابواب مواقیت الصلاة، باب ۴، حدیث ۱۶، ط الاسلامیة.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۲۳، ابواب قبله، باب ۶، حدیث ۲، ط الاسلامیة.

ابان بن تغلب از روایتی است که مقام بسیار بالائی دارد و امام صادق علیه السلام به او می فرموده من دوست دارم در مسجد بنشینم و فتوا بدهم و وقتی از دنیا رفت و خبر فوت او را به حضرت دادند فرمود مرگ او دل مرا به درد آورد، ابان ۳۰ هزار حدیث حفظ بوده، اهل بیت علیهم السلام به اصحاب خودشان می فرمودند فتوا بدهید منتهی بعدها فرقه ای بنام اخباری پیدا شد که اجتهاد و فتوا دادن را حرام می دانند و می گویند علماء فقط روایات ائمه علیهم السلام را برای مردم بخوانند و مردم به اخبار عمل کنند و حتی آنها کتب اصول را نجس می دانستند و در کتاب "روضات الجنات" ۲۹ فرق بین ما اخباریون ذکر شده.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله
علی محمد و آله الطاهیرین

همچنین در اول کتاب کامل الزیارات نیز همینطور گفته شده، البته آقای خوئی در اواخر از این بنای خودش برگشته و باید هم بر می گشت زیرا مثل نجاشی و کشی که توثیق می کنند در واقع از راه شهادت عن حس نیست بلکه از باب رجوع به متخصص و اهل خبره می باشد ولی علی بن ابراهیم قمی خبره و متخصص هم نیست بلکه فقط مفسر است، علی ای حال آیت الله خوئی می فرماید شیخ در عده فرموده ما به حرفهای عثمان بن عیسی عمل می کنیم و بعلاوه سند دیگری نیز برای این خبر ذکر شده و خبر دلالت دارد بر اینکه اگر از راههایی که مردم به آنها اعتماد پیدا می کنند ظن حاصل شود حجت می باشد.

راه دیگر این است که نصوصی در باب روزه دار داریم و خب معلوم است که بین نماز و روزه در این مسئله (عمل به ظن مورد اعتماد) فرقی نیست، این اخبار در باب ۵۱ از ابواب ما یمسک عنه الصائم ذکر شده اند؛

خبر اول: ﴿وباسناده عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الفضیل، عن أبي الصباح الكناني قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل صام ثم ظن أن الشمس قد غابت وفي السماء غيم فأفطر، ثم إن السحاب انجلى فإذا الشمس لم تغب، فقال: قد تم صومه ولا يقضيه. ورواه الصدوق باسناده عن محمد بن الفضیل مثله.﴾^۴

این خبر دلالت دارد بر اینکه ظن برای اتمام صوم کافی می باشد.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۷، ص ۸۸، ابواب ما یمسک عنه الصائم، باب ۵۱، حدیث ۳، ط الاسلامیة.